آینده جهان اسلام (نویدها ، چالشها ، مسؤولیتها)

آینده جهان اسلام

(نویدها ، چالشها ، مسؤولیتها)

آیت ا واعظ زاده خراسانی

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

بسم ا الرحمن الرحیم

الحمد والصلاة والسلام على رسول ا وعلى آله امناء ا وصحبه انصار ا.

مقدمه:

ماهم اكنون قرن بيستم را پشت سرگذارده و در آستانه قرن بيست و يكم قرار داريم. مجمع جهاني تقريب بين مذاهب اسلامي در سال جاري ـ سال 1420 ـ اقدام به برگزاري دو كنفرانس مي نمايد.

يكي از آن دو كنفرانس وحدت امت اسلامي وآينده آن است كه به همراه شما افتخار حضور در آن را داريم. برگزار كنندگان اين كنفرانس مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي و تجمع العلماء المسلمين در لبنان مي‌باشند واين براي من مايه بسي مباهات است. و ديگري، دوازدهمين كنفرانس بين المللي وحدت اسلامي است كه هر سال، در ماه ربيع الاول روز ولادت نبي اكرم، در هفته وحدت، در تهران برگزار مي‌شود وشمار زيادي از دانشمندان، رهبران جنبش‌ها، سران سازمانها و تشكل‌ها، پيشوايان مذاهب اسلامي و نخبگان شايسته‌اي از اصلاح طلبان در آن شركت مي‌كنند كه به سرنوشت جهان اسلام، سختيها و دشواريها، شادي و سرور، اميد و آرزو، غم و غصه، رنجها و دردهاي آن اهتمام مي‌ورزند.

موضوع مورد بحث در اين كنفرانس «آينده اسلام و مسلمانان در قرن آتي» است. بحث مورد نظر در فهرست بحثهايي قرار مي‌گيرد كه به يكي از اين دو كنفرانس ارائه مي‌شود و به فضل و ياري خداوند براي تعيين موضع امت اسلام در مقابل جهان قرن آينده از اين بحثها و گفتگوها به نتايج مثبت، طرحهاي ارزشمند، اقدامات مثر ثمر و تصميمهاي مفيدي دست خواهيم يافت. ضمن اينكه اعمال گذشته خود به ويژه آنچه در قرن بيستم انجام داده ايم را ارزيابي مي‌كنيم و به رويدادهاي بزرگ، انقلابها، تحولات سياسي، اقتصادي، تكنولوژي و فرهنگي كه در عالم يا در جهان اسلام خصوصا در اين قرن رخ داده است آشنا مي‌شويم.

بدون شك اين حوادث سرشار از خير و شر، خوبي و بدي، دستاوردهاي علمي و صنعتي و تحولات ملتها بوده است.

مابايد با توجه به حوادث گذشته و تحولات جديد آينده و به مقتضاي نيازها و حالات مختلف براي وظايف و مسؤوليتهاي امت اسلام در قبال خداوند و اسلام و همچنين جهان و نسلهاي آينده برنامه ريزي كنيم.

بحث ما شامل سه فصل نويدها، چالشها و مسؤوليتها مي‌باشد و با ذكر خاتمه‌اي پايان مي‌يابد.

نويدها:

منظور از نويدها اموري است كه موجبات افزايش اميد و اطمينان و تقويت عزم و اراده و مايه سرور و شادماني و سعة صدر ما نسبت به آيندة جهان اسلام مي‌شود.

آينده‌اي سرشار از پيروزي، رستگاري، پيشرفت و تحقق نويدهايي كه كتاب و سنت و ائمه و اولياي خدا

به آن وعده داده‌اند و ارزشهاي نهفته در جوهر اسلام كه ما را به سوي كمال رهنمود مي‌شود و باعث اشتياق ملت‌هاي اسلامي به ويژه نسل فرهيخته نوين و جوانان متعهد نسبت به پيشرفت مادي و معنوي امت اسلام مي‌گردد.

علاوه‌بر اموري كه مقتضاي تغيير و تحولات اوضاع اجتماعي و رابطة آن با رويدادها مي‌باشد به چند امر اطمينان خاطر داريم.

1 ـ اطمينان ما به قرآن، سنت و وعده‌هاي انبياء:

آيات قرآني همواره نويد بخش آينده اسلام است. از جمله:

1 ـ } هُوَ الَّذِي ارْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ{ (صف: 9 و توبه: 33).

2 ـ } هُوَ الَّذِي ارْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا { (فتح: 28).

3 ـ } وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي الارْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ امْنًا يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَاوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ { (نور: 55).

4 ـ } انْ هُوَ إلاَّ ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ & وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَاهُ بَعْدَ حِينٍ { (ص: 87 ـ 88).

اين آيات در خصوص همين امت (امت اسلام) است و در قرآن آيات ديگري وجود دارد كه به عموم صالحان، حق طلبان، پيروان انبياء و به طور كلي حزب ا نويد پيروزي حق بر باطل و ياري خداوند را مي‌دهد:

1 ـ }وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ انَّ الارْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ

الصّ َالِحُونَ{ (انبياء: 105).

2ـ { كَتَبَ اللّ َهُ َلاغْلِبَنّ َ انَا وَرُسُلِي انّ َ اللّ َهَ قَوِيّ ٌ عَزِيزٌ { (مجادله: 21).

3ـ { وَقُلْ جَاء الْحَقّ ُ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ انّ َ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا { (اسراء: 81).

4ـ { بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقّ ِ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَاذَا هُوَ زَاهِقٌ...{ (انبياء: 18).

5ـ { قُلْ جَاء الْحَقّ ُ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ { (سبا: 49).

6ـ { فَاصْبِرْ انّ َ وَعْدَ اللّ َهِ حَقّ ٌ... { (غافر: 77).

7ـ {... فَانّ َ حِزْبَ اللّ َهِ هُمُ الْغَالِبُونَ { (مائده: 56).

8ـ {... إلاّ َ انّ َ حِزْبَ اللّ َهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ { (مجادله: 22).

9ـ { وَانّ َ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ { (صافات: 173).

10ـ {... ان تَنصُرُوا اللّ َهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبّ ِتْ اقْدَامَكُمْ { (محمد: 7).

11ـ {... وَلَيَنصُرَنّ َ اللّ َهُ مَن يَنصُرُهُ... { (حج: 40)

12ـ { انّ َا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالّ َذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدّ ُنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْاشْهَادُ { (غافر:51).

ونيز آيات ديگري كه نويد بخش غلبه حق بر باطل و پيروزي صالحان بر كفار مي‌باشد و اينكه بندگان صالح خدا وارث زمين خواهند بود. ما مسلمانان هيچ شكي به خود راه نمي دهيم كه ما حزب ا و سربازان

و بندگان صالح خداوند و ياران حق هستيم و به اذن خداوند، او و اسلام را ياري مي‌نمائيم به اين ترتيب اين آيات بر ما صدق مي كند و ما مصداق بارز اين آيات هستيم.

‌دو آيه زير بيانگر افزايش شطح كمي و كيفي مسلمانان در طول روزگار مي‌باشد:

‌1ـ }...وَمَثَلُهُمْ فِي الْانجِيلِ كَزَرْعٍ اخْرَجَ شَطْاهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ...{ (فتح: 29).

‌2ـ } الَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاء & تُؤْتِي اكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِاذْنِ رَبِّهَا...{ (ابراهيم: 24 ـ 25).

‌آية اول افزايش تعداد مسلمانان را به دانه‌اي كه سر از خاك در آورده تشبيه كرده است. و آية دوم كلمه طيبه كه همان كلمه اسلام است را به درخت پاك و زيبائي تشبيه كرده كه ريشه هاي آن در زمين ثابت و استوار و شاخه هايش سربه آسمان بركشيده است و براي هميشه بي حد و اندازه و تاروز قيامت ثمر مي‌دهد.

‌ونيز قرآن با آيه }... كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِاذْنِ اللّهِ... { (بقره: 249). به مامسلمانان در مقابل تعداد اندكمان آرامش قلبي مي‌دهد.

‌ما الحمد در حال حاضر تعدادمان زياد است و حدود يك چهارم جمعيت زمين را تشكيل مي‌دهيم و حاصلخيزترين سرزمين هايي را كه از غني ترين معادن و بهترين نعمت‌ها، وسيع ترين و بهترين موقعيت‌ها برخوردار است در اختيار داريم.

‌ونيز قرآن ما را از نا اميدي برحذر داشته واميدوار مي‌كند:

‌1 ـ } حَتَّى اذَا اسْتَيْاسَ الرُّسُلُ وَظَنُّواْ انَّهُمْ قَدْ كُذِبُواْ جَاءهُمْ نَصْرُنَا...{ (يوسف: 110).

‌2 ـ }... انَّهُ لاَ يَيْاسُ مِن رَّوْحِ اللّهِ إلاَّ الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ { (يوسف: 87).

دو آيه مذكور از آيات سوره يوسف است كه مثال اعلي و نمونه بارز رستگاري يوسف (عليه السلام) نبي خدابعد از زيان و خسران و پيروزي او بعد از شكست مي باشد يوسف همان پيامبري است كه برادرانش او را به ته چاه انداختند خداوند او را نجات داده و بر كرسي عزت و شرف نشاند.

حتي اگر بسياري از مردم از دين اسلام روي گردانده و مرتد شوند خداوند ما را از اين مرحله عبور داده و از ياري و نصرت خود مايوس نمي گرداند. و وعده مي‌دهد كه انسانهاي با اراده‌تر و استوارتري را جايگزين آنها خواهد كرد چنانچه مي‌فرمايد:

{ يَا ايُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَاتِي اللّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ اذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ اعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لآئِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاء وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ { (مائده: 54). مي بينيم كه قرآن سرشار از نويد بشارت به پيروزي، نصرت و غلبة حق بر باطل است و خداوند خلق وعده نمي كند، سراسر قرآن خوشبيني و اميد به آينده اي درخشان است كه مقيد به زمان و مكان نيست.

اما از نقطه نظر سنت، وعده‌هاي فراوان موجود در روايات بسيار و مورد قبول همه محدثين ما را قانع مي‌كند كه خداوند زمين را پس از اينكه از ظلم و ستم فراگير شد توسط مردي از اهل بيت پيامبر سرشار از عدل و داد مي‌كند.

ومنشا عدل دادگستر و صلح عادلانه را در جهان تنها اسلام مي‌داند كه از شرق اسلامي سرچشمه مي‌گيرد نه غرب ملحد. علاوه بر آن پيامبر اسلام ((عليه السلام)) اميدوار و خوشبين بود و صبحگاهان ياران خود را با اين كلام خود: «هل من مبشرات» فرا مي‌خواند. منظور پيامبر از اين عبارت روياي صادة يارانش بود. آنها را به فال نيك در تعبير روايتها توصيه مي‌نمود و مي فرمود: «تفائلوا بالخير تجدوه» «تفال بالخير تنله» يعني به فال نيك بگيريد آن را مي‌يابيد، و «فال نيك بگير به آن دست مي‌يابي» پيامبر اسلام به مسلمانان وعده داد دين او شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت خداوند نيز وعده خود و رسولش را در گذشته متحقق ساخت و در آينده نيز آن را محقق مي‌نمايد تا اسلام سراسر جهان را در برگيرد. منظور از مشرق و مغرب همه زمين بدون هيچ محدوديتي است.

در كتابهاي ديني بشارتهاي پراكنده صحابه، ائمه، اولياء در مورد حاكميت اسلام بر اديان و اهتزاز پرچم حق در سراسر عالم آمده است. سخن را با بيان اين بشارتها طولاني نمي كنيم چرا كه با وجود وعده‌هاي موجود در كتاب و سنت از ذكر اين نويدها بي‌نيازيم.

2 ـ اطمينان به ملت‌هاي اسلامي

ما به ملت‌هاي مسلمان همچون يك امت واحد و سپاهي الهي كه در راه خدا نبرد مي كند ايمان و اطمينان داريم سپاهي چون بنيان مرصوص كه قرآن، سنت، تاريخ و سيرة نبوي به آن شهادت مي‌دهد.

ملت‌هاي اسلامي چه در زمان حيات پيامبر (عليه السلام) و چه پس از رحلت او به ملكوت اعلي راه او را ادامه داده، پرچم اسلام را بر دوش كشيده و كلمة توحيد و ذكر خداوند را بر زبان جاري ساختند. در راه خدا از جان گذشته و شرق و غرب عالم را در نورديدند و در اين راه سلاحي جز كتاب خدا، سنت پيامبر، ايمان قلبي، اخلاص و صدق نيت بر نگرفتند. دشمنان را نابود كرده خود نيز به شهادت مي‌رسيدند بي هيچ ترس وواهمه‌اي از ملامت ديگران در راه خدا جهاد مي‌كردند و از هيچ كس جزاو نمي ترسيدند.

اين خصال پسنديده كه ضامن پيروزي آنها بر دشمنان بود در طول عصرها وعرصه‌هاي مختلف آشكار گرديد و چنان شد كه امت اسلام براي اداي وظايف خود به پاخاست و در برابر دشمناني هرچند قوي، مقاومت و پايداري كرد، از نبرد با مشركين، اهل كتاب و اهل ديگر مسلكها و مذهبهاي باطل گرفته تا 800 سال مقاومت در اندلس، 200 سال مبارزه با صليبيين، 70 سال نبرد با ماركسيسم و كفر در روسيه، آسياي ميانه، بوسني هرزگوين و كوزوو و ديگر مناطق تحت سلطه اتحاد فروپاشيده جماهير شوروي و حدود 80 سال پايداري زير يوغ آتاتورك و نيروهاي لائيك و هم اكنون با چشمان خود 50 سال جهاد و پايداري آن‌ها را در فلسطين در برابر صهيونيسم مي‌بينيم كه همچون كوه استواري است كه با طوفان نمي‌لرزد. و همچنين 40 سال مبارزه در كشمير و ديگر سرزمينهاي اسلامي از نشانه‌هاي اين پايداري است. آيا اين رشادتها، از خود گذشتگي‌ها كه تاريخ آن را در سينة خود به ثبت رسانده است كه ما تنها اندكي از نمونه‌هاي بي‌شمار آن رابرشمرديم، در كنار مقاومت بسياري از ملتهاي مسلمان عليه استعمارگران و مستكبرين و قدرتمندان ظالم كه امروزه در گوشه و كنار جهان مي‌بينيم براي اطمينان به امت و ملت مسلمانان كافي نيست؟

3ـ اطمينان به علماء رهبران و حاكمان اسلامي

به جز تعداد اندكي از علماي اسلام كه در گوشه و كنار جهان دين خود را به دنياي خود و دنياي قدرتمندان فروختند و به جز گروهي از حكام و اميران كشورهاي اسلامي كه در زمانهاي مختلف در رأس امور بودند و ظلم و ستم را بر ملتهاي مسلمان رواداشته و در اوامر و دستورات و اعمال و رفتار خود توجهي به كتاب و سنت ننموده بلكه مطابق ميل خود و خواست اجانب كه آنها رادر رأس امور قرار دادند عمل نمودند. اگر همه اينها را استثناء كنيم مي‌بينيم قلبهاي اغلب علما و بيشتر رهبران مسلمانان در عصرها و كشورهاي مختلف در گروي اسلام و تمام تلاش آنها در جهت تقويت پايه‌ها و برپايي اركان اسلام بود با وجود اختلاف عقيده، مذهب، مسلك و گرايشهاي سياسي بين علما، كه موجب جنگ وجدال بين آنها مي‌شد. مشاهده مي‌كنيم كه در راه اسلام خوبيهاي آنها بر بدي هايشان فائق آمد و اگر جز اين بود اساس و پايه اي براي اسلام باقي نمي‌ماند. و آنچه در لابه لاي كتابهاي تاريخ دربارة بسياري از آنها مي‌خوانيم ـ اگر درست باشد ـ منشا آن مسائل شخصي و فردي است نه عقابد ديني و سياسي ـ خدا آگاه است ـ چه بسيار از علما در شرق و غرب اسلامي كه جان و مال و خانوادة خود را در راه دين فدا كردند و بسياري از آنها براي اعلاي كلمة ا به شهادت رسيدند و تاريخ زندگي گروهي شايسته از آنها را در سينه خود به ثبت رسانده است و وظيفة ما احياي نام و ياد آنهاست تا الگوي ديگران قرار گيرند.

همچنين از ميان اميران و حكام به خصوص در صدر اسلام گروهي را مي‌يابيم كه دين خود رابر هواي نفس ترجيح داده‌اند.

چه نيكو است احوال و اخبار آنها در كتابي بررسي شود تا الگوي جوانان و تحصيل كرده‌ها، كارگزاران و حكام اين زمانه گردد.

وظيفة ماست كه موضعگيريهاي شايسته وتلاش آنها را در راه گسترش اسلام فراموش نكنيم و به بديها و اشتباهات آنها نپردازيم. يك مسلمان به مردم و برادر مسلمان خود بدگمان نيست و به او به جاي عفو و بخشش به ديدة سرزنش نمي نگرد. چنين است پروردگار مهربان ما.

4ـ اطمينان به جوانان و فرهيختگان

به عقيدة ما پس از گذشت 1420 سال از تابش نور اسلام هيچ يك از نسلهاي امت اسلام با مشكلات جوانان مسلمان قرن 20 به ويژه دوره اخير مواجه نبوده است. مشكلاتي همچون آشوب و نا آرامي فكري، عقيدتي و تشتت آراء و گوناگوني افكار و مكاتب مختلف فلسفي و گرايشهاي فكري.

همچنين جوانان از نظر اخلاق و رفتار و آداب غربي كه چون بيماري مسري همة ملتها و مسلمانان را در برگرفته است مورد آماج شبكه‌هاي فساد، معصيت، گمراهي و مصيبت قرار گرفته‌اند. و حركتي كه از آن به عنوان تهاجم فرهنگي يا به تعبير رهبر عظيم الشان امام خامنه‌اي (حفظه ا) شبيخون فرهنگي ناميده مي‌شود.

اگر بگويم جوانان امروزه در جاي جاي زمين با خطر بزرگي دست و پنجه نرم مي‌كنند و برلب گودال بلكه گودالهايي از آتش قرار دارند مبالغه نكرده‌ايم.

با وجود اين ما به جوانان و به نسل تحصيل كردة خوداميدوار و خوشبين هستيم. به عقيدة ما اغلب آنها خود را از آتش فروزاني كه تر وخشك را باهم مي‌سوزاند حفظ كرده‌اند و به رهايي آنهايي كه در گودال آتش افتاده‌اند اميدواريم وبسيار هستند كساني كه پس از سوختن به شعله‌هاي اين آتش خود را نجات داده‌اند.

مطمئناً بزرگترين خطري كه جوانان به ويژه فرهيختگان را تهديد مي‌كرد، در برابر پايداري آن قلبهاي بي آلايش و خانواده‌هاي اصيل از آنان روي گردانيد و ارزشهاي ديني گذشتگان بر زندگيشان حاكم گرديد. با وجود اين منكر آن نيستم كه بسياري از خانواده‌هاي اسلامي از ارزشهاي بيگانه تاثير پذيرفته و فريفته دستگاههاي پر فريب فزاينده‌اي شدند كه براي فساد و گمراهي جوانان به كار گرفته مي‌شود در هر حال به گمان ما بخش عمده‌اي از نسل تحصيل كرده به سلامت از اين خطر نوين عبور كرده و توانستند با پايبندي به روح تقوي و تعصب مذهبي خود را براي تقديم اين امانت به نسل آينده آماده و مهياكنند.

اگر روزي خداي ناكرده اميد ما از جوانان قطع شود نور اسلام خاموش گشته و ديگر كسي نيست كه نداي اين دعوت مبارك را به گوش نسلهاي آينده برساند. و اين همان چيزي است كه دشمنان ما را خشنود مي‌كند. آنها براي رسيدن به اين آرزو تمام تلاش خود را مبذول مي‌دارند. اما به خواست خداوند طبق وعده‌هاي قرآن و پيامبر همگي آنهازيانكار خواهندبود.

دليل اطمينان ما به جوانان ديده‌ها وشنيده هاي ما از حركتهاي اسلامي گوشه و كنار جهان است كه توسط جوانان و فرهيختگان رهبري مي‌شود. دليل اطمينان ما حضور جمع كثيري از دختران و پسران تحصيل كرده در مراسم حج و صفوف نماز جمعه و مساجد و اماكن متبركه و مجالس حديث و قرائت قرآن مي‌باشد جوانانيكه در ميدانهاي جهاد و مبارزه در فلسطين و ديگر كشورها حضور مي‌يابند. ما جوانان خود را زمان انقلاب اسلامي و در جبهه‌هاي جنگ تحميلي آزموده‌ايم. آيابعد از اين جاي هيچ شك و ترديد براي قابليت آنها باقي مي‌ماند؟

5 ـ اطمينان ما به قابليت رشد و تداوم اسلام

اما اسلام، قابليت تداوم و انعطاف پذيري خود رادر برابر همه تغيير و تحولات جديد در شرق و غرب، شمال و جنوب عالم اسلام به اثبات رسانده است چنانكه هيچ گونه تحول و پيشرفتي روي در روي قوانين و احكام اسلام قرار نگرفته است و اسلام هيچگاه انعطاف پذيري خود را در برابر مشكلات و تحولات از دست نداده است.

تاريخ فتوي، قضاوت و رشد و پويايي فقه در همه مذاهب اسلامي مؤيد اين مدعي است اسلام بدون وجود هيچ مانعي رشد و تداوم يافته و گوي سبقت را در ميادين مسابقه ربوده است با تامل در آية«مثل كلمة طبية» در مي‌يابيم كه اين آيه نمونه بارزي از رشد و پويايي دين اسلام است و تاكنون كسي را نديديم كه به اين امر توجه نموده باشد.

كلمه طيبه همان عقيده، شريعت و اخلاق است كه ريشه‌اش كتاب و سنت است و از اصول ثابت و لا يتغيري برخوردار است و فروعي كه ريشه در اين اصول دارد سر به آسمان كشيده، و آسمان نمادي است از بي نهايت ـ چند شاخه شده به مقتضاي نياز و زمان در تغيير و تحول است.

بنابراين اصول اسلام، ثابت و فروع آن بر حسب تغيير و تحولات جديد تغيير مي يابد.

هر روز و در هر مكان به خواست خداوند ثمري نو مي‌دهد و در طي روزگار از ثمردهي باز نمي ايستد چنانچه اسلام در گذشته در تعاطي و تعامل با فلسفة يونان و عرفان هند و ايران و در راستاي فرهنگها واعتقادات ديني مختلف حركت كرد، و اين فرهنگها فلسفه‌ها و علوم را آنچنان تغذيه نموده بارور ساخت

که به فکر هيچ کس نمي رسيد. همچنين مي‌بينيم که علما و دانشمندان امروز نيز همچون گذشتگان که فلسفه و عرفان را از پيشينيان خود گرفته و آن را بر مفاهيم اسرار قرآن و سنت تطبيق مي‌دادند، اينها نيز اسلام و استنباطهاي خود از قرآن و سنت را بر علوم نوين و افکار جديد در زمينه هنر، اقتصاد، اجتماع، حکومت، سياست و غيره تطبيق مي دهند. و اين مبحث باب گسترده‌اي دارد که وارد آن نمي شويم.

نتيجه اينکه گذشته آيينه فرداي ما است و باعث خوشبيني ما در ارزيابي مان از آينده اسلام از جهات مختلف:

اول: پيشرفت و توسعة علوم ـ علومي که بيش از سابق ما را با حقايق هستي آشنا مي‌سازد ـ و پرده از اسرار دين و قرآن بر مي‌دارد. چنانچه خداوند فرمود:] انْ هُوَ إلاّ َ ذِکْرٌ لـّلِْعَالَمِينَ ـ وَلَتَعْلَمُنّ َ نَبَاهُ بَعْدَ حِينٍ [و فرمود:] سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي اْلآفَاقِ وَفِي انفُسِهِمْ...[(سوره فصلت: 53).

دوم: رشد فرهنگي، اقتصادي، اعتماد به نفس ملتهاي مسلمان و استقلال حکومت در امت اسلام.

سوم: ضعف و فروپاشي قدرت‌هاي جهاني و تسليم در برابر شجاعت و رشادت ملتهاي بيدار و در صدر آن مسلمانان که از يوغ استعمار رهايي يافته يا در شرف رهايي مي‌باشند.

چهارم: شکست يا ضعف روحية ملي گرايي و مذهب گرايي در مراکز و محافل علمي و دانشگاههاي اسلامي و در نتيجه، کاهش اختلافاتي که موجب از بين رفتن توان ـ يا به تعبير قرآن ابهت ـ امت اسلامي مي‌شد.

علما و دانشمندان بعد از اينکه هويت خود رادر اثر اختلافات پوچ و واهي از دست دادند آن را بازيافتند. زنجيرها گسسته شد و موانع وحدت که قرنها و نسلها بر سر راه آنها قرار گرفته بود برداشته شد.

اکنون جهان نسبت به گذشته از افق ديد روشنتري برخوردار است و دانشمندان به جاي پرداختن به مسائل بيهوده در انديشه ثمردهي، اصلاح و تلاشي مجدانه هستند و مسلمانان شايسته ترين و بر حق ترين افراد براي اين امر مي‌باشند.

پنجم: پيدايش جنبشهاي سياسي در جهان اسلام: از ابتداي قرن 20 همانند دورة صدر اسلام، مسلمانان با استمداد از حقيقت دين اسلام نداري برقراري حكومتي اسلامي سر مي دهند. اصلاح طلب بزرگ سيد جمال الدين اسد آبادي مشهور به افغاني، بي هيچ شكي، اولين شخصي است كه در قرن حاضر اين پرچم را برافراشته است سپس ديگران به پيروي از او در افريقا و آسيا و خصوصا در مصر و ايران و شبه قاره هند و آسياي ميانه راه او را ادامه دادند. چنانچه اين دعوت ميمون و مبارك تا زمان حال ادامه يافته است كه از جمله قوي ترين و گسترده ترين آنها جنبش اخوان المسلمين مي‌باشد. اما اين جنبشها بر حسب مقتضيات و شرايط زمان گامي به جلو و گامي به عقب گذارده‌اند و در روزگار خود شدت و ضعف و پيشرفت و پس رفت داشته اند و جز در ايران كه به رهبري برجسته و مصلح بزرگ امام خميني (قدس سره) به پيروزي رسيده‌اند در بقية نقاط زمين با شكست مواجه گرديده‌اند همانا خداوند امام را نمونه اي بي نظير براي حكومت اسلامي قرارداد.

روشن است كه حكومت اسلامي پشتوانه اسلام و ركن اصلي و ضامن احياي شريعت درخشان اسلام است. نابودي و محو حكومت اسلامي از عرصة بين المللي از بزرگترين خطرات ويرانگر نظام اسلام به شمار مي رفت. اما در حال حاضر جمهوري اسلامي به فضل خداوند بخشي از اميد و آرزوي اصلاح طلبان پيشين اين سرزمين مبارك را محقق ساخته و راه راست را در برابر ديگران گشوده است و اين امر چنانچه پيشتر گذشت در رأس نويدهايي است كه بر شمرديم و به خواست خداوند اين بشارتها به صورت تمام و كمال محقق خواهد گشت و ديري نخواهد پائيد كه خبر عظيم آن را خواهي شنيد.

خطرات

اما خطرات داخلي و خارجي كشورهاي اسلامي كه روز به روز و خيم تر خواهد شد:

1 ـ تهاجم فرهنگي كه فرايند ارتباط دائمي شرق مسلمان و غرب متجاوز مي‌باشد و در نتيجه آن انسان مسلمان از شيوة رفتاري غربيان آگاه، و اسير عادات و ارزشهاي آنها مي‌گردد.

حال چه از طريق سفرهاي متقابل موجود بين كشورها و چه از طريق روزنامه‌ها، كتابها، فيلمها، راديو و تلويزيون و نهايتاً از طريق ما هو اره‌ها و اينترنت و ديگر رسانه‌هاي گروهي كه هر روز اختراع مي شود.

2 ـ تهاجم علمي، مي‌دانيم كه غرب در كنار انحطاط اخلاقي و رفتاري خود پيوسته در حال توسعة علم و

تكنولوژي است و اين امر به نوبة خود غرب را قبله آمال و آرزوهاي نادر دنياي دانش و صنعت قرار مي‌دهد و اين امر موجب مي‌شود چون گذشته، در آينده نيز از آنان تبعيت نمائيم و به اين ترتيب تسلط علمي و تكنيكي آنان بر ما ادامه خواهد يافت و اين به نوبة خود خطر ديگري است كه شايد بالاتر از خطر تهاجم فرهنگي باشد.

3 ـ توافق نامه‌ها و معاهده‌هاي موجود بين كشورهاي غربي عليه ما مسلمانان: غربيان با وجود دوگانگي‌ها و اختلافات في ما بين خود در جهت تضعيف ما، غارت ثروتهاي ما و سلطه سياسي، اقتصادي و فرهنگي بر ما با يكديگر تشريك مساعي مي‌نمايند. و در اين راه پشت و همراه يكديگرند.

4 ـ خاورشناسان غربي و مبشران مسيحي در گذشته دو نيروي همپيمان بر عليه ما بودند. آنها اين هم پيماني را در آينده نيز حفظ خواهند كرد. چنانچه شنيده‌ايم واتيكان براي مسيحي نمودن كشورهاي آفريقايي در فاصله زماني پايان قرن حاضر و آغاز قرن آينده عزم جدي نموده است.

5 ـ اشغال بخشهايي از سرزمين مامسلمانان در فلسطين و كشمير و بالكان و ديگر مناطق از جانب دشمناني قدرتمند.

6 ـ آثار باقيمانده از سلطه استعمار وغرب در بخشهايي از سرزمينهاي اسلامي و استعمار نو در بخشهايي ديگر از آن.

7 ـ ظهور فرقه‌هاي مخالف اسلام ـ كه بسياري از آنان مزدور بيگانه هستند ـ و پيروي آنها از آنچه آن را دين مي‌شمارند ـ وما انزل ا به من سلطان ـ فرقه‌هايي چون قاديانيت، بهائيت و غيره، كه فعاليت بسياري دارند و توجه ويژه‌اي به انتشار افكار گمراه كننده خود بين مسلمانان مي نمايند. و در اين راه از شيوه‌هايي استفاده مي‌كنند كه جوانان را فريب مي‌دهد.

8 ـ اقليت‌هاي مسلمان در كشورهاي غير اسلامي در معرض خطر جدي دين زدايي و به فراموش سپردن ارزشهاي ديني كه از پدران خود به ارث برده‌اند مي‌باشند و اين امر در اثر معاشرت و تاثير پذيري از ملتهايي پديد آمده است كه در بين آنها زندگي مي‌كنند.

اين همان چيزي است كه بدان همرنگي با محيط و يا تاثيرپذيري از اقليم و منطقه گفته مي‌شود.

اما خطرات داخلي به طور خلاصه عبارت است از:

1 ـ تاثير پذيري مسلمانان از فرهنگ و تكنولوژي دشمنان.

2 ـ فقر شديد و بحران اقتصادي و به تبع آن بيماريهاي جسمي و روحي.

3 ـ عدم استقلال دولتهاي بعضي از كشورهاي اسلامي و هم پيماني با قدرتهاي استكباري و در پي آن فقدان روح عزت اسلامي و بي توجهي به اسلام و مصلحت امت اسلام.

4 ـ وجود اختلافات مرزي و قدرت نمائيهاي سياسي بين سران كشورهاي اسلامي يا حركت در پشت خطوط سياسي وابسته به جبهه هاي بيگانگان غرب و شرق. آنها به جاي اينكه از جبهه متحد اسلامي كه در برابر بيگانگان به خود متكي است پيروي كنند به قدرتهايي نظير روسيه، انگليس، فرانسه و آمريكا و ابسته مي‌باشند.

5 ـ وجود اختلافات مذهبي كه موجب دوري پيروان مذاهب اسلامي از يكديگر مي‌شود اين اختلافات گاه و بي گاه در گوشه و كنار جهان تشديد مي‌شود بگونه‌اي كه منجر مي‌شود يكديگر را به كفر و فسق نسبت دهند و در بسياري از اوقات باوجود اينكه برادران ايماني هستند و علي رغم آيه شريفه: انما المؤمنون اخوه / حجرات 10، اقدام به كشتن يكديگر مي‌كنند.

بدون شك در اين اختلافات چيز بدي است. وبدتر از آن عدم توجه مسلمانان به آيه ديگري از قرآن است كه اين مشكل را حل كرده است و مي‌گويد:] وَان طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَان بَغَتْ احْدَاهُمَا عَلَى الاخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ الَى امْرِ اللَّهِ فَان فَاءتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاقْسِطُوا انَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ [(سوره حجرات:9).

اين آيه ما را موظف به برقراري صلح و سازش بين دو گروه از مؤمنان كه اقدام به كشتن يكديگر كرده‌اند مي‌كند. آيا مادر گذشته و حال در جنگهاي بين دو كشور مسلمان به وظيفة خود عمل نموده‌ايم ؟ يا اينكه هر گروهي از ما مسلمانان براي منفعت خود بدون در نظر گرفتن گروه ديگر به ياري يكي از طرفين مخاصمه خواه بر حق باشد خواه سركش و ظالم اقدام مي‌نمايد.

6ـ احيا وبيدار نمودن روح نژاد پرستي و ملي گرايي در بين مسلمانان حتي در داخل يك كشور و اين به نوبه خود از جانب شبكه‌هاي بيگانگان در برابر مسلمانان صورت مي‌گيرد و اسلام با بيان اينكه اخلاف بين ملتها و قبائل يك حقيقت اجتماعي است ما را از مباهات ورزيدن به آن بر حذر داشته و تاكيد مي‌كند كريم ترين شما نزد خداوند پرهيزگارترين شماست. اين پديدة شوم در اين قرن ما نوعي از استعمار نواست.

7ـ تفاوت طبقاتي در جوامع اسلامي و خطرات ديگر...

وظايف و مسئوليتها:

اگر قصد تفصيل داشته باشيم بايد مسئوليتها و وظايف زيادي را برشماريم امادر چند جمله خلاصه مي‌توان اينچنين گفت:

اولاً: توجه به امور مسلمانان، پيامبر اكرم (((صلي ا عليه وآله))) فرمود: «من اصبح لايهتم بامور المسلمين فليس بمسلم» آنكس كه شب را به صبح برساند و توجهي به مسايل مسلمانان نورزد مسلمان نيست. لازمه اين توجه شناخت ملتهاي مسلمان از نظر كمي و كيفي و نقاط قوت و ضعف آنان و همچنين شناخت تغيير و تحولات مثبت و منفي آنان مي‌باشد.

دوم: تشريك مساعي در رويارويي با خطراتي كه بر شمرديم و رفع كمبودهاي مسلمانان و بر آورده ساختن نيازهاي مبرم مادي يا معنوي آنان.

سوم: بهره برداري كامل از بشارتها و نكات مثبت مذكور و تداوم اين بهره وري تا رسيدن مسلمانان به هدفي كه خداوند در قرآن به آنان وعده داده است مبني بر اينكه آنان راميراث دار زمين گرداند تا صاحب عزت و شرف شوند كه عزت و شرف از آن خداوند، پيامبر و مؤمنين است و گواهي خداوند در اين امر كافي است.

در پايان به شما برادران حاضر در كنفرانس و استادان ارجمند خير مقدم عرض كرده و بهترين سلامهاي خود را به شما تقديم مي‌كنم. از شمابسيار سپاسگزارم و از خداوند بلند مرتبه براي خود و شما همه

برکات و خوبيها را خواستارم واز او مي خواهم که همه ما را مشمول عفو و رحمت خود نمايد. و نيز، ادب حکم مي کند که از تجمع العلماء المسلمين به خاطر همراهي با مجمع جهاني تقريب مذاهب اسلامي در برگزاري اين کنفرانس عظيم و تشريك مساعي با اين مجمع در اداي وظيفه و ماموريت خود که همان نزديك سازي پيروان مذاهب اسلامي و زدودن دشمني هاي موجود بين آنها به منظور تشکيل جبهه اي واحد در برابر دشمنان است تشکر نمايم وآخر دعوانا ان الحمد رب العالمين وسلام علي المرسلين.

والسلام عليکم ورحمة ا و برکاته

بسم ا الرحمن الرحيم

الحمد والسلام علي رسوله ا وآله واصحابه، اعوذ با من الشيطان الرجيم يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا آباءکم واخوانکم اولياء ان استحبوا الکفر علي الايمان ومن يتولهم منکم فاولئك هم الظالمون.

قبل از شروع صحبت بايد تشکر کنيم و خوش آمد بگوييم به ميهمانان عزيزي که از راههاي دور باعث غناي اين برنامه خوب سالانه ما مي شوند و آنهايي که بخصوص امسال تشريف آوردند و هم شخصيتهاي داخلي که اهميت مي‌دهند به اين موضوع جهاني اسلامي و براي تقويت اين فکر به اين محفل بين المللي تشريف مي آورند واز برادرني که همه ساله برنامه هاي خوب و موضوعات قابل توجهي در دستور قرار مي‌دهند و زحمت اداره اين کار مشکل را به عهده مي‌گيرند وانصافا موفق هم بوده‌اند قدرداني مي‌کنم.

تاکنون جاي خالي يك چنين کنفرانس بين المللي اسلامي خالي بوده و موفق شدند آقايان اين جاي خالي را تا حدودي پر کنند و بخصوص آيت ا واعظ زاده که با علاقه خاصي مسئله تقريب بين امت اسلامي را پي گيري مي‌کنند.

من امروز راجع به اين مسئله فکر مي‌کردم که چه بکنيم که دنياي اسلام از اين بي تفاوتي و حداقل کم تفاوتي در مورد مصالح کلي اسلام آنجايي که به همه دنياي اسلام مربوط مي‌شود بيرون بيايد آنچه که قرآن از ما خواسته با آنچه که الان دنياي اسلام به آن پايبند است خيلي فاصله دارد البته از سالهاي اول اسلام هم اين فاصله بود از گله هايي که قرآن از مسلمانهاي مدينه که يك واحد کوچکي بودند در

دنياي آنروز، دارد، مي‌فهميم كه هيچوقت مسلمانها به اين نداي مهم الهي كه يك نوع ولايت بين آحاد امت اسلامي و مجموعه هاي امت اسلام را خواسته، لبيك نگفته‌اند.

‌اين مسئله را حقيقتاً بايد در دستور خودتان قرار بدهيد، كار بكنيم و ببينيم كه راه حل اين معظل چيست ؟ از مدينه اين گله ها را داريم در سوره توبه و مائده و سوره‌ هاي ديگر قرآن شما آيات زيادي مي‌بينيد كه خداوند بعضي مسلمانها را توبيخ مي‌ كند ومي گويد كه چرا اهميت نمي دهيد بر روابط اسلامي ؟ چرا اولويتهايي داريد كه ما آن اولويتها را نمي‌پسنديم ؟ همين آيه اي كه من خواندم به مسلمانها مي‌گويد كه شما اگر پدرانتان و برادرانتان كفر را برايمان ترجيح دهند شما حق نداريد آنها را ولي اتخاذ بكنيد حالا اين ولايت چه معنايي دارد خوب آقايان مي‌دانند. ما خيلي نمي خواهيم بحث بكنيم.

‌همين مضمون را در سوره مائده داريم با اسم بردن از بعضي از طوائف و اديان. در سوره هاي ديگر هم هست. بعد از همين آيه باز در سوره توبه انگيزهايي كه در انسان هست و در ارزيابي هاي خودش اولويتهايي ديگر قرار داده نام مي‌برد: پدر، مادر، همسر، مسكن، عشيره، خانه و هر چي از محبوبهاي خود ما آنهايي كه براي ما جاذبه دارد اينها وقتي در مقابل اسلام، مسلمانها و خداقرار مي‌گيرند محكوم مي‌شوند.

‌قرآن مخاطبان آن روز خود را توبيخ مي‌كند معلوم مي‌شود كه در آنروزها اين مشكل در دنياي اسلام بوده است، حتي گاهي قرآن تحليل مي‌كند مي‌فرمايد كه شما از ترس اينكه فقير بشويد از ترس اينكه ضرر بكنيد از ترس اينكه مصيبتي پيش بيايد و بافلان جاروابط خوبي نداشته باشيد و آسيب ببينيد، مي‌رويد و اين تخلف را مي‌كنيد خيلي مسئله روشن است آنچه كه من مي‌خواهم مطرح كنم اين است كه ما الان نيازمنديم كه در فرهنگ امت اسلامي يك اولويت مهم بگنجانيم و آن اين است كه منافع اسلام و امت اسلامي بر همه چيز تقدم دارد، اين خيلي اهميت دارد و يقيناً خواست قرآن است. و روح اسلام از يك مسلمان واقعي اين را مي‌خواهد. آنجايي كه پاي خدا، پيغمبر، قرآن، امت اسلامي ومصالح اسلامي پيش مي‌آيد جاي ترجيح ساير منافع نيست. مثلا مصالح جغرافيايي كه براي خيلي از دولتها و ملتها خيلي اهميت دارد، مسائل نژادي، حزبي و منافع تجاري، مادي و خيلي چيزهايي كه الان مهم است و نمي شود به ملتي و دولتي گفت كه نسبت به اينهابي توجه باش. بالاخره كيان امت اسلامي يك چيزي است و كيان هر دولت و هر جمعي محور ديگري دارد. حتي داخل يك دولت جريانهاي مختلف و احزاب و باندها همين مسائل بر ايشان مطرح است. به نظر مي‌رسد حقيقتاً آن اولويتي كه قرآن از ماخواسته به مصالح اسلام بدهيم آن را امروز در دنيا نمي‌بينيد من نمي گويم در گذشته بوده است من الان زماني را سراغ ندارم كه

بگوييم در فلان تاريخ امت اسلامي اينجور بوده كه اولويتش منافع كل اسلام بوده. گفتم در مدنيه كه جمعيت خيلي محدودي بود و همه در يك شهر بودند، مسائل قومي، جغرافيايي و مرزها مطرح نبوده همين مشكل در آن موقع هم بوده است در حدي كه آيات متعددي به اين مسئله پرداخته حالا شايد اين توقع زيادي باشد كه بگوييم همة ملتها و دولتها اينجور باشند كه ما ما مي گوييم ، ولي حداقل نصابي از اوليت را بايد در نظر بگيريم . الان خيلي آسان دولتها و اشخاص وجريانها منافع اسلامي را در روابطشان ناديده مي گيرند مي‌گيرند خوب در چنين شرايطي و حدت اسلامي كه اينقدر دنبالش هستيم و براي آن تلاش مي‌كنيم چگونه مي‌خواهد تحقق پيدا كند؟ اگر موفق بشويم اين فرهنگ ارزيابي درست را به مردم بباورانيم كار مهمي كرده‌ايم. البته جاي آن در همين كنفرانسها است اينجايي كه شخصيتهاي محبوب و معتمد و متنفذ دنياي اسلام حضور دارند كه هر يك بالاخره فضايي از جامعه خودشان را مي‌توانند پوشش بدهند و تكيه بكنيم روي اين مسئله و واقعاً اين مسئله را جدي بگيريم كه حداقل در مقابل ساير منافعي كه براي ما وجود دارد بها بدهيم به منافع مهم دنياي اسلام و مسلمانها حالا چه فردي و چه اجتماعی.

اگر اين فرهنگ احيا بشود بسياري از مشكلاتي كه امروز دنياي اسلام دارد و منافعي كه بخاطر تفرقه از دست مي‌دهد، وضع ديگري پيدا مي‌كند. واقعاً الان كفر جهاني خيالش راحت است از همكاري دنياي اسلام، آنجايي كه منافع بخشي از مسلمانها در خطر مي‌افتد. اگر خاطرش راحت نبود اينجور با مارفتار نمي كرد او باخاطر راحت هر كجا كه منافعش ايجاب مي‌كند وارد مي‌شود و فشار مي‌آورد، زور مي‌گويد، وظلم مي‌كند شايد بهترين مثل براي ما همين مسئله فلسطين باشد البته فقط اين يكي نيست ما خيلي مسئله داريم الان بيش از نيم قرن است كه دنياي اسلام عواطفش جريحه دار است از مسئله فلسطين ولي كفر از اين مسئله نمي ترسد.

منافع اسرائيل و صهيونيستها را بر منافع دنياي اسلام ترجيح مي‌دهد عمده ترين دليلش همين عدم تكافوي بين مسلمانهاست آنهايي كه بايد نفوذشان حالت تعصب گونه اي براي هم داشته باشد اين حالت الان وجود ندارد حقيقتاً درد است و درد اساسي اينجاست. ما اينجور بار آمديم.

ما نمي توانيم بگوييم اينها مسلمان نيستند همه مسلمان هستند علاقمند هستند، عبادت انجام مي‌دهند، صبح مي‌روند و آداب رسوم را بجا مي‌آوردند اينطور نيست كه بي علاقه به اسلام باشند. چطور اين منفعت عام اسلامي را مورد توجه و در اولويت نمي بينيم؟

الان مسئله كوزوو مطرح است، ظاهراً اين مشكل در حال حل شدن است.

خوب غربيها آمدند حل كردند. البته اگر حل بشود صربها واقعاً قصابي كردند در كوزوو. آن گورهاي دسته جمعي و آن كشتارها واين چيزها كه در خبرها مي‌آيد وما مي بينيم! واقعاً امت اسلامي برايش چقدر بها داشت چه اولويتي داشت، چقدر مطلع بود چقدر دلسوزي كرد، چقدر خرج كرد، چقدر فداكاري كرد، چقدر روابطش را تحت تاثير قرارداد؟؟

همين چند روز پيش اسرائيل به بهانه اي بيروت را زد اين همه خسارت وارد كرد، آدم كشت!، خوب دنياي اسلام خيلي آسان مي‌گذرد!؟ بالاخره مسلمانها، دولتها و علماي اسلامي چه جوابي مي‌توانند بدهند؟ چرا حساسيت ايجاد نمي كند!؟ اين مال زماني است كه ما قدرت نداريم ؟ ما خيلي هم قدرت داريم من خيال مي‌كنم يكي از ادله اي كه قرآن روي مسائل تكيه مي‌كند با اينكه آنرور به حساسيت امروز هم نبوده جاودانگي قرآن است براي زماني مثل زمان ما.

امروز نزديك يك چهارم جمعيت دنيا مسلمان هستند. البته اين عدد را غربيها كم مي‌گيرند. ولي هر چه نگاه مي كنيم آمار رانگاه مي كنيم نزديك يك چهارم دنيا را مسلمان تشكيل مي‌دهد. بهترين نقاط سوق الجيشي حساس دنيا دست مسلمانها است از تنگه جبل الطارق، كانال سوئز و تنگه هرمز. اين نقاطي است كه در قلب دنيا قرار گرفته، منابع انرژي دنيا اكثراً در كشورهاي اسلامي است يك سوم دنيا بازارش از آن مسلمانهاست اتفاقاً بخاطر منابع نفت و انرژي پول دار هستند.

كليه بانكهاي دنيا مبالغ زيادي از آن، مال مسلمانها و مال اين چاههاي نفت است اينها همه امروز منبع قدرت است همه اينها متفرق، جدا و به صورت جزيره هاي كوچك در يك اقيانوس عمل مي‌كند. قرآن تكيه دارد روي تضامن اسلامي و تولي اسلامي.

يك چنين زماني را در نظر بگيريد. ببينيد تكليف قرآني ما جدي است. واقعاً ما حاضر نبوديم آنجايي كه منافع اسلام در ميان است، كفر را ترجيح بدهيم ؟

اگر همين اصل را ما جدي بگيريم و يك فرهنگ جدي در بين ما خلق بكند خيلي قدرت بزرگي هستيم. نمي گويم ما مي‌خواهيم از اين قدرت سوء استفاده بكنيم زور بگوييم ظلم كنيم. مي‌خواهيم حداقل دفع ظلم بكنيم. فلسطين، سودان، كشمير آنجوري مورد ظلم قرار نگيرد. قره باغ، بوسني، كوزوو، اينجور نشوند خوب همه منافع امت اسلامي است. البته حرف هم مي زنيم (در ايران بيشتر از جاهاي ديگر) ولي در عمل خيلي دي نيستيم.

ما يك نمونه كوچكي كه براي خودمان اتفاق افتاده از همكاريهاي بين المللي عرض مي‌كنم شما ببينيد چقدر مهم است. ايران وعربستان سالها باهم همكاري نمي كردند و خسارات عمده اي در دنياي اسلام بوجود مي آمد. فعلاً تا حدودي اين همكاري شروع شده است.

تحقيقاً استكبار و صهيونيسم و كفر جهاني مايل نيست همدلي و نزديكي بين مسلمانان آن هم براسا يك اصل يعني اصل قرآني «اولويت منافع امت اسلامي» تحقق پيدا بكند.

براي ما خيلي روشن است الان هو شيار هم شده است با انقلاب اسلامي كه در ايران اتفاق افتاد و همين كنفرانسهاي وحدت و جدي شدن ايران در دفاع از مسلمانان در جاهايي مثل فلسطين.

اينها باعث شد كه اينها هو شيار بشوند. تحقيقاً عوامل تفرقه وعوامل نفوذي كه دارند امكاناتي كه دارند، بوقهاي تبليغاتي كه دارند شيوه هاي تفرقه انگيزي كه وارد هستند اينها را بكار مي‌گيرند، در هر مجموعه اي اخلال مي كنند. فرض كنيد دنياي عرب يك مجموعه است. علاوه بر اسلام مسائل مادي يك اولويت است در مسئله نفت ما چند ماه بخاطر عدم همكاري و حتي رقابت در عرضه كردن نفت باعث شديم مبالغ هنگفتي، بيش از صد ميليون دلار پول مسلمانها برود توي جيب آن كساني كه حالا يا با ما دشمن هستند يا نسبت به ما نظر خوبي ندارند.

يك همكاري محدود باعث شد كه تا حدودي قيمت نفت را ترميم كنيم ممكن است بعضي هافكر كنند كه منابع انرژي را كه فقط كشورهاي غربي نمي خرند، همه دنيا اين منابع را مي خرند!. خوب دنياي سوم چيز كمي مي‌خرند عمده اين منابع را غربيها، كشورهاي عمده صنعتي مي‌خرند. خوب اين يك همكاري كوچك كه منافع شخصي دو كشور و مسائل مادي، بالاخره ما را بهم نزديك كرد.

اين يك كار بسيار بزرگي بود مسائل سياسي ديگري اتفاق مي افتد ولي در همانجا هم باز منافع مشترك از منافع شخصي و محدود اهميت كمتري دارد و حتي گروههاي منطقه اي كه مي‌توانند باهم همكاري بكنند گاهي مسائلي خلق مي‌شود و بين ما تفرقه بوجود مي‌آورد. ما خودمان اين مسائل را خلق مي كنيم وآنها بزرگش مي‌كنند يا آنها خودشان خلق مي‌كنند. عوامل تفرقه بين ماخيلي دي است ولي ما چنين كاري در بين مسيحيها نداريم ما هيچوقت به اين فكر نيفتاديم كه بين مسيحيها تفرقه بيندازيم يا بين يهوديها تفرقه بيندازيم. يا برويم دنبال كشورهايي كه باهم همكاري مي‌كنند همكاريهايشان را متلاشي بكنيم دنياي اسلام در اين گونه مايه ها نيست ولي در حفظ هدف خودمان مي‌توانيم خيلي جدي باشيم.

به هر حال البته اين حرفها مقدار كمي از آن مربوط به شما مي‌شود من از اين جهت با شما مطرح مي‌كنم كه شما زبان اسلام هستيد. شما مفسر اسلام هستيد. عده زيادي از مردم را مي‌توانيد تحت تاثير قرار بدهيد و من راه را اين مي‌دانم كه فرهنگ اين اصل قرآني رابتوانيم در جامعه احياء كنيم ممكن است طولاني باشد ممكن است اگر ما همه باهم كار كنيم دوالي سه دهه طول بكشد.

همين كنفرانس، آقايان مي‌گويند كار ما كمي مشكل تر بود. والان مقداري روان شده چون با يك واقعيتهايي واصولي الان بسياري از مسلمانها با اين همكاريهايي كه شده كم كم نزديك شدند خوب اين را آدم مي‌تواند بيشتر تقويت بكند و اين يك وظيفه قرآني و اسلامي است كه ما داريم مثل بقيه وظايفمان مثل عباداتي كه مي‌كنيم و ساير اعمالي كه انجام مي‌دهيم.

اميدواريم كه هر چه جلو مي‌رويم بركات اين كنگره شما بيشتر بشود و از حضور ميهمانان خارجي گرانقدرمان در ايران هم بيشتر استفاده كنيم و آنها را با حقايقي كه در داخل ايران و در خارج ايران و هم عقايد افكاري كه داريم آشنا بكنيم من دلم مي خواهد فضاي جامعه ما به گونه‌اي باشد كه اين اختلافات محدودي كه گاهي بعنوان شيعه و سني، گاهي گروه تند، چپ و راست كه در بين ما شيعه هاست اينها هيچيك نتواند مانع پرداختن به منافع ملي دنياي اسلام بشود اين فكري است كه امام راحل ما تاكيد داشتند و از متن قرآن است ولي ايشان بعنوان رهبر تاكيد مي‌كردند رهبر فعلي دنياي اسلام و انقلاب اسلامي همين اصول را تكيه مي‌كنند ما همه بعنوان شاگردان اين مكتب و طلبه هاي اين نظام همينجور فكر مي‌كنيم اما فائق آمدن بر اين روحيات و ارزيابي هايي كه در فطرت انسان هست و ما را به جهات ديگري سوق مي‌دهد كار دشواري... است شما را بخدا مي‌سپاريم و منتظر ديدن و خواندن آثار تفكر شما در اين كنگره هستيم. والسلام عليكم ورحمة ا وبركاته